

## ابن میثم بحرینی

(۲)

مکاتبه علمای شیعه عراق با ابن میثم که در بحرین میزیست و منجر بآمدن او به عراق و شهر حله گردید، موجب شد که وی از زاویه خمبول بیرون آید و عالم اسلام از وجود او بهره‌ها گیرد. دوتن از شاگردان او را که خوشبختانه در کتب تراجم نامبرده‌اند، مجتهد بزرگ شیعه علامه حلی، و دانشمند نابغه سید عبدالکریم بن طاوس میباشند که هر دو از مردم حله و در آن شهر میزیسته‌اند، و این خود میرساند که ابن میثم مدتی در حله و مجمع علمای آن دیار توقف نموده و فضایی نامی از محضر پر فیضش کسب علم و فضل نموده و از وی بدریافت اجازه نائل آمده‌اند.

### ابن میثم در بغداد

ابن میثم آنگاه به بغداد آمد و در آن شهر که مرکز عراق و مجمع علمای آفاق بود رحل اقامت افکند، ولی آیا او مستقیماً از حله به بغداد رفته، یا بیشتر از حله بجای دیگر منتقل و از آنجا به بغداد آمده است، و در هر صورت آیا در چه تاریخی وارد بغداد شده! و چند سال در آنجا اقامت داشته است، آیا سفر او به بغداد یکبار یا مکرر بوده است، درست معلوم نیست.

بطوریکه از مقدمه شرح نهج البلاغه او استفاده میشود، ابن میثم بعد از سقوط بغداد توسط هلاکوخان مغول و زمان حکومت عظاملک جوینی به بغداد آمده است عطا ملک جوینی در سال ۶۶۱ بحکومت بغداد منصوب گشت و در سال ۶۷۵ با سعایت دشمنان خود بفرمان «آبا قاخان» پسر هلاکو از حکومت معزول و اموالش مصادره شد، آنگاه در سال ۶۸۱ که آبا قاخان مرد و برادرش «احمد تکودار» بر سر کار آمد، عظاملک آزاد و مجدداً بسمت حکومت بغداد منصوب گردید، و در همان سال نیز درگذشت.

عطا ملک مؤلف کتاب معروف «تاریخ جهان گشای جوینی» است که از تواریخ مهم و معتبر عصر منقول است. چون تاریخ ختم تألیف شرح نهج البلاغه ابن میثم سال ۶۷۵ است. و اینکه وفات او را در بحرین بسال ۶۷۹ و مدفون در آنجا دانسته اند، میتوان گفت که ابن میثم پس از عزل عطا ملک و برگشت اقبال او در سال ۶۷۵ که شرح نهج البلاغه را نیز با تمام رسانده بود از بغداد بوطن مراجعت کرده و دو سال بعد بر حمت ایزدی پیوسته است.

ابن میثم در دولت عطا ملک جوینی روزگار خوشی داشته و قدورش در نزد حاکم دانشمند مزبور به خوبی محرز بوده است، عطا ملک او را مورد احترام بسیار قرار میداد، و در مجلس خاص دعوت مینمود و با وی مذاکرات علمی داشته است. چنانکه ابن میثم خود در مقدمه شرح نهج البلاغه ضمن تریفی که از موقعیت بغداد هنگام ورودش بآن شهر میکند و ستایشی که از دین و دولت و دانش عطا ملک نموده میگوید: در یکی از مجالس وی از نهج البلاغه سخن به میان آورد و مدح بسیاری در تعظیم و بزرگداشت آن کتاب با عظمت نمود و این خود باعث شد که من علاقه ای را که سابقاً برای شرح این کتاب داشتم عملی ساخته، حقایق آنرا روشن و اسرار و دقائق آنرا بدست آورده و بیاس حقی که نسبت به من دارد آنرا شرح کرده و بوی اهداء کنم. ابن میثم بعد از تألیف شرح نهج البلاغه، بدستور عطا ملک جوینی آنرا برای دو فرزند وی، نظام الدین ابو منصور محمد، و مظفر الدین ابوالعباس علی تلخیص نمود.

نکته قابل توجه اینست که دو شرح بزرگ و مشهور نهج البلاغه از دو دانشمند بزرگ شیعه و سنی در یک شهر و عصر و وضعی شبیه به فاصله بهم و کمتر از ده سال تألیف شده است. زیرا ابن ابی الحدید دانشمند و محقق معروف اهل تسنن متوفی ۶۵۵ شرح نهج البلاغه خود را برای مؤید الدین علقمی قمی و وزیر شیعی المستعصم بالله آخرین خلیفه عباسی شرح کرد و تقریباً ده سال بعد ابن میثم نیز شرح نهج البلاغه خود را بنام عطاء ملک جوینی شروع کرد، و هر چند ابن میثم در این خصوص اشاره ای ننموده ولی بظن قوی در شرح خود نظر بر شرح ابی الحدید داشته است.

#### شخصیت علمی ابن میثم

ابن میثم در بغداد با خواجه نصیر الدین طوسی فیلسوف بزرگ شیعه نیز ملاقات و چنانکه خواهم گفت هر دو نزد هم درس خوانده اند و خواجه مقام علمی او را ستوده است. شیخ فخر الدین طریحی در «مجمع البحرین» در لفظ «میثم» او را استاد فقه خواجه میدانند، فقید نامی شیخ یوسف بحرینی در کتاب «لؤلؤة لؤلؤة البحرین» از کتاب «سلافة البهیة» نقل میکند که گفته است: بخط یکی از افاضل مورد اعتماد دیدم که نوشته بود: خواجه در فقه شاکر ابن میثم بود و ابن میثم نیز حکمت را در نزد خواجه خوانده است.

و هم در کتاب نامبرده میگوید استاد علامه شیخ سلمان بحرینی کتابی در شرح حال

کمال‌الدین ابن میثم نوشته بنام «سلافة البهیه فی احوال المیثمیه»، از جمله مینویسد: فیلسوف محقق و حکیم مدقق، پیشوای متکلمین و زبده فقهاء و محدثین، عالم ربانی کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی، غواص دریای معارف و سرچشمه حقایق و لطائف است. وی علاوه بر احاطه علوم شرعیه، در علوم حکمیه فنون عقلیه نیز مهارت داشت و در علوم حقیقی و اسرار عرفانی دارای ذوقی نیکو بود.

در عظمت مقام و جلالت شأن او کافی است که بگوئیم تمام دانشمندان اعصار و فضلالی روز<sup>۱</sup> از در همه ادوار و دیار او را «عالم ربانی» خوانده‌اند و اعتراف کرده‌اند که نظیر او در تحقیق حقایق و تنقیح مبانی دیده نشده است.

حکیم فیلسوف سلطان المحققین و استاد الحکماء و متکلمین خواجه نصیرالدین طوسی گواهی به تبهر او در حکمت و کلام داده و اوصاف حمیده او را با بهترین عبارت ستوده است. استاد البشیر سیدالمحققین میرسد شریف جرجانی نیز با همه جلالت قدرش در اوائل فن بیان در «شرح مفتاح» بعضی از تحقیقات و تدقیقات او را با تعبیر «یکی از استادان» از او نقل کرده و خود را در سلك شاگردان و خوشه چینان خرمندانش وی شمار آورده است.

همچنین سید سند فیلسوف اوحد سید صدرالدین محمد شیرازی در حاشیه تجرید مخصوصاً در مباحث «جواهر و اعراض» از وی بسیار نقل کرده و کوه‌های تحقیقات او را که در کتاب «معراج السماوی» و غیره ابداع نموده آورده است.

در حقیقت هر کس شرح نهج البلاغه او را که برای خواجه عظاملك جوینی تالیف کرده از نظر بگذراند. استادی و مهارت او را در تمام فنون اسلامی و ادبی و حکمی و اسرار عرفانی گواهی خواهد داد...

ابن میثم گذشته از شرح نهج البلاغه که بزرگترین اثر فکری و قلمی اوست و اینک بطرزی دلپذیر در پنج جلد تجدید چاپ میشود و تاکنون دو جلد آن از طبع خارج شده، کتب ذیقیمت دیگری هم دارد که از جمله کتابهای زیراست.

شرح نهج البلاغه متوسط، تلخیص شرح نهج البلاغه، شرح صد کلمه قصار امیرالمؤمنین (۴)

النجاة فی القیامة فی تحقیق امر الامامه، شرح اشارات استادش فیلسوف شیخ علی بن سلیمان بحرینی قواعد المرام فی علم الکلام، آداب البحث، البحر الخضم، تجرید البلاغه استقصاء النظر فی امامة الائمة الاثنی عشر.

در مقدمه جلد یکم شرح نهج البلاغه ابن میثم که بتازگی بقطع وزیری طبع حروفی شده است، شیخ ابراهیم بن علی عاملی کفعمی را نیز هم‌درس ابن میثم دانسته که هر

دو نزد ابوالساعات اسعد بن عبدالقاهر اصفهانی درس خوانده و از وی اجازه گرفته اند.  
 \* مطابق نوشته علمای تراجم، ابن میثم با رضی الدین طاوس چندی در حوزه  
 درس ابوالساعات اصفهانی حاضر گشته اند، ولی معلوم نیست شیخ ابراهیم کفمی از  
 کجا با آنها همراه گشته است زیرا اگر منظور شیخ ابراهیم کفمی مؤلف کتاب های  
 «مصباح» و «بلد الامین» باشد وی از علمای اواخر قرن هشتم و سال ۸۹۵ در گذشته است.  
 و از اینرو مطلب مزبور بکلی اشتباه و بیبوجه نمیتوان آنرا با هم سازش داد.

## عدالت یا سخاوت!

از علی علیه السلام پرسیدند: عدالت بهتر است یا جود و بخشش  
 فرمود:

«العدل یضع الامور مواضعها و الجود یخرجهما من جهتها،  
 و العدل سائس عام و الجود عارض خاص، فالعدل اشرفهما و  
 افضلهما!»

«عدالت هر چیزی را در محل شایسته خود قرار میدهد، ولی جود و بخشش  
 آنرا از محل خود فراتر میبرد! از طرفی عدالت يك تدبیر عمومی و اجتماعی  
 است در حالی که جود و بخشش يك امر خصوصی است، بنا بر این عدالت شریفتر  
 و برتر است!»

«نهج البلاغه»